

## دموکراسی با قرت بیروتی!



**میگویند** شخصی از نردبان یا زینه افتاد و مُرد، پسرش او را در خواب دید و پرسید؛ از سوال و جواب و شب اول قبر چه خبر؟ شخص متوفی گفت؛ حساب من به اندازه ای روشن بود که نیازی به سوال و جواب نداشت، از زینه که افتادم یکراست وارد جهنم شدم! از این قلم همیشه دیده اید و گاهی هم شنیده که حتی اگر همه مدافعان وضع موجود افغانستان متحد شوند تا با پینه زنی و چسب کاذب بنام عدالت، دموکراسی و آزادی بیان نظام کنونی را متناسب با حال و احوال مردم و فرهنگ افغانستان توجیه کنند نه میتوانند جسد متلاشی شده و متعفن نظام حاکم بر سرنوشت افغان ها را که در بیرون حیات زندگی شان افتاده است تطهیر کنند.



زیرا وضعیت کنونی نه تنها جنگجویان مسلح و خونریزی را بوجود آورده است بلکه منتقدان بی پروای دارد که بصورت مسالمت آمیز و برابلهای عقلانیت و خرد حرف های برای گفتن دارند و نیز این منتقدان غیرمسلح نسبت به وضعیت کنونی به خوبی میدانند که علل اصلی زوال و عروج نهضت های آزادی بخش ملی و سیاسی در جوامع عقب مانده جهان سوم کدام اند؟ اکنون و در برهه ای کنونی زمان بسیاری سپری شده است تا این منتقدان روشنفکروسیاست گذاران متعهد دینی و چپ گرایان غیر دینی اجازه یابند به عنوان یک نیروی مستقل و مؤثر سیاسی در متن و بطن حوادث حضور پیدا کنند. نخستین گروهی که موتور اصلی این نظام متعفن مافیائی را تشکیل میدهند جوانانی اند که در دهه دموکراسی به غرض فراگیری آموزشهای عالی وارد بیروت پایتخت لبنان شده و در پوهنتون امریکائی لبنان مشغول آموزش بودند



روی همین وجه وانگیزه اسم این یادداشت "دموکراسی باروتی با قرئت بیروتی" نامگذاری گردیده است. وقوع تحولات جدید سیاسی در افغانستان که به مثابه پس لرزه های انهدام برج های دوقلوی نیویورک و حوادث ناگوار و خونین یازدهم سپتمبر سال ۲۰۰۱ میلادی در سرزمین افغانستان آغاز یافت و تاکنون جاری اند نخستین فرصت ظهور این گروه تکنوکراتی بود که از مؤسسات و شرکت های چند ملیتی مختلف به عنوان امریکائی های افغان تبار به مأموریت جدید در سرزمین پدری آنها فراهم گردید. هر چند اکثریتی از یاران دبستانی گرمابه و گلستان از هر سو و همه جا به عنوان بریگادهای افغان تبار امریکائی هم سفر حامد کرزی از مهره های اصلی و پراعتبار سازمان اطلاعات ارتش پاکستان ISI و رئیس حکومت موقت مأمور شده در کنفرانس تاریخی بن برای افغانستان بودند

<https://www.youtube.com/watch?v=ARxXv76pVUo>

اما زلمی خلیلزاد و اشرف غنی احمدزی از جمله چهره های محسوب می شدند که مورد تأیید خاص شبکه های استخباراتی ایالات متحده امریکا از همان آغاز در طراحی و برگزاری کنفرانس تاریخی بن یکی با عضویت مستقیم در هیأت ایالات متحده امریکا برهبریی جیمز دابین **James Dobbins** و دیگری ( اشرف غنی احمدزی ) بحیث مشاور لخصر ابراهیمی **Lakhdar Ebrahimi** نماینده خاص سازمان ملل متحد برای افغانستان نقش بسزای را ایفا نموده بودند. میتوان گفت که از همان آغاز فاجعه خونین در افغانستان یعنی تأسیس کنفرانس تاریخی بن سرنوشت ملت مظلوم افغان بدست گروه تکنوکراتهای بیروتی افتاده بود برای خواننده گان روشن بین قابل تعجب نیست که امروز همان یاران دبستانی یکی برمسند حکومت وحدت ملی و دیگری از جایگاه شهروند افغان تبار امریکائی به عنوان مشاور وزیر خارجه ایالات متحده امریکا در سرکس معروف صلح قطری با طالبان نقش ایفا می کنند ! خواننده گان عزیز استحضار دارند که این قلم از منتقدان " کار به اهل کار سپردن " نیستم و هرگز نبوده ام بلکه من منتقد و مخالف عقلانی ایدئولوژیک سیستم بورژوائی لبرال مافیائی هستم که وقتی می بینیم هر روزی و هر ششی کرامت خدا داد انسان در پاهای غول سرمایه داری ذبح شرعی می گردد فریاد و صدای مسالمت آمیز ام را بلند میکنم .

<https://www.youtube.com/watch?v=efoeDNEmML8>

و خوشبختانه یا متأسفانه در عصر حاضر و در مملکت ما با افشا شدن چهره اصلی نظام مافیائی شبه سرمایه داری بازار آزاد **بروزن آزار** حوادث و وقایع عجیبی بوقوع می پیوندد که از آن جمله یکی از اندکترین و آخرین آن اعتراف مقامات امنیتی بر بازداشت و تحت تعقیب گرفتن احمد احمدی مدیر مبارزه بامواد مخدر فرماندهی پولیس کابل هنگام ایکه می خواست از مسیر ولایات شمال کشور به آسیای میانه فرار نماید، در ولسوالی سالنگ دستگیر گردید. هر چند این مقام امنیتی از بازداشت و تحت تعقیب قرار دادن چندین مأمور دیگر امنیتی نیز خبر داد اما وقتی کاسه سوراخ است آنرا به دیوار باید زد ، اما چنانچه بارها گفته ام و نوشته که شما همه کاره های هیچکاره باید بدانید که هر قدر زور میزنید نه تأثیری میگذرانید و نه خود به جایی میرسید . علت اش نخست نداشتن یک نسخه عقلانی و متناسب با فرهنگ تاریخی و تمدن باستانی این سرزمین است که نزد هیچ یکی از حضرات رهبران ارشد جامعه منجمله " سیا " سیون ارجمند کشور که افغانستان را بصورت ریأ کارانه به دارالاسلام و دارالکفر تقسیم میکنند موجود نیست ! ثانیاً فقدان تکنیک قوی برای اکتساب فرهنگ و معنویت موجود در این سو و آن سوی سرزمین افغانستان است که برای حصول آن تفکر انسان باید بطور کامل از هرگونه تعصبات قومی ، نژادی و مذهبی تخلیه گردد تا در میقات زندگی حامل بزرگترین پیام نادر نادرپور شاعر توانا شوریده ای از زبان و ادبیات فارسی باشد که میگفت :

من باد نیستم ، اما همیشه تشنه فریاد بوده ام

دیوار نیستم ، اما اسیر پنجه بیداد بوده ام

نقش درون آئینه سرد نیستم زیرا هر آنچه هستم بیدرد نیستم

اینان به ناله آتش درد نهفته را

خاموش میکنند و فراموش میکنند

